



در تزامن بین سلامتی انسان با یک واجب شرعی و یا عبادی چه باید کرد؟

ما تکالیف مختلفی داریم که باید وظایف و موقعیت اجتماعی خودمان را تعیین کنیم و بدانیم چه مسئولیت‌هایی را به عهده گرفته‌ایم و چه مسئولیت‌هایی را باید به عهده بگیریم.

ما تکالیف مختلفی داریم که باید وظایف و موقعیت اجتماعی خودمان را تعیین کنیم و بدانیم چه مسئولیت‌هایی را به عهده گرفته‌ایم و چه مسئولیت‌هایی را باید به عهده بگیریم.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: سبک زندگی به عنوان مجموعه به هم پیوسته‌ای از الگوهای رفتاری فردی و اجتماعی، برآمده از نظام معنایی متمایزی است که یک فرهنگ در یک جامعه انسانی ایجاد می‌کند؛ و از آن جایی که هیچکدام از جوامع بشری را نمی‌توان عاری از فرهنگ تصور کرد، بنابراین، می‌توان گفت تمام اجتماعات انسانی، از ابتدای تاریخ تا کنون دارای سبک زندگی خاص خود بوده و از الگوهای رفتاری متناسب با شاخص‌های فرهنگی خود برخوردار بوده‌اند.

پذیرش منفعلانه الگوهای رفتاری مبتنی بر فرهنگ غربی، برای جوامع مسلمان که خود در پرتو آموزه‌های اسلامی، توانایی تعریف و ترسیم سبک زندگی دینی و تبیین الگوهای متناسب با آن را دارند، شایسته نبوده و باید به اقتضای فرهنگ دینی خود، به سبک زندگی اسلامی روی آورند. به ویژه آنکه در چند دهه اخیر، ناکارآمدی تمدن سکولار غربی در پاسخ‌گویی به نیازهای چندبعدی انسان آشکار گردیده و رصد تحولات جاری در جهان نیز نشانه‌های افول و فرود این تمدن را نمایان ساخته است. بازخوانی آموزه‌های اسلام و ژرف‌اندیشی در آن، ظرفیت بالای این آموزه‌ها را برای فرهنگ‌سازی و ارائه الگوهای رفتاری مناسب نشان می‌دهد. قرآن که مهم‌ترین منبع آموزه‌های اسلامی به شمار می‌رود، سرشار از الگوهای است که شیوه زیست مؤمنانه و مورد نظر اسلام را معرفی می‌کند؛ و در پرتو آیات آن، سیره پیامبر گرامی اسلام (نیز) به عنوان اسوه و نمونه عالی زندگی به تمام مسلمانان معرفی شده است.

یکی از مطالبی که بارها بحث مفصلی درباره‌اش انجام گرفته، قرب الهی و راه رسیدن به آن است که با استفاده از آیات و روایات و با استمداد از بحث‌های عقلی به این نتیجه می‌رسیم که تنها راه رسیدن به قرب الهی عبادت خداست. آنچه پیش رو دارید گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت‌الله مصباح یزدی در دفتر مقام معظم رهبری است که در تاریخ ۰۹/۱۱/۱۳۹۲، مطابق با بیست و هفتم ربیع الاول ۱۴۳۵ است پیرامون این موضوعات ارائه کرده‌اند. قسمت نهم این سلسله مطالب تقدیم نگاهتان می‌شود:

مناجات با خدا در کنار وظایف دیگر

در مطلب گذشته بحث ما به اینجا رسید که از جمله علامت‌های دوستان خدا این است که منتظرند شب فرا برسد و در خلوت با خدا به راز و نیاز بپردازند. هم‌چنین در تبیین چرایی انتخاب شب برای مناجات و راز و نیاز با خدا گفتیم که راز این کار آن است که علاوه بر این که در شب آرامش برقرار، سر و صداها خاموش و هر کس به دنبال استراحت خودش است، تاریکی نیز به تمرکز بیشتر انسان کمک می‌کند. در آیات قرآن نیز به این نکته اشاره شده است و می‌فرماید: دلیل این که تأکید می‌کنیم دو ثلث یا نصف شب را به عبادت بپرداز، این است که عبادت شب اثرگذارتر است؛ **إِنَّ تَاشِيَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً [۱]**. هم‌چنین به یک نکته دیگر اشاره می‌کند و می‌گوید: **إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْعًا طَوِيلًا [۲]**؛ هنگام روز فرصت عبادت‌های چندین ساعته را نداری و روز تکالیف، رفت و آمدها و گرفتاری‌هایی دارد که مانع از خلوت با خدا می‌شود. در روایات نیز سفارشات بسیاری درباره سحرخیزی و عبادت و سجده‌های طولانی در شب شده است. از جمله آن‌ها روایت نوف بکالی است که امیرمؤمنان علیه السلام در آن وضع متعین را در شب و روز بیان می‌کند و می‌گوید کار آن‌ها در شب این است که به نماز می‌ایستند و قرآن را با لحن خوب و ترتیل تلاوت می‌کنند. سپس اضافه می‌فرماید آن‌ها شب را در رکوع و سجده به صبح می‌رسانند و گاهی پیشانی و صورتشان را روی زمین فرس می‌کنند و اشک از چشمانشان جاری می‌شود. به هر حال تأکیداتی که درباره سحرخیزی شده، کم نظیر است و در منابع دینی به کمتر چیزی این همه تأکید شده است.

در این جا این پرسش مطرح می‌شود که اگر ما بخواهیم به دستورات قرآن عمل کنیم و دو ثلث شب را به عبادت بپردازیم و بین الطلوعین نیز بیدار بمانیم و به تعقیبات نماز بپردازیم، چگونه به کارهای دیگرمان برسیم؟ با توجه به این که برای روز نیز مستحباتی وارد شده است و حتی هر ساعت از روز دعای مخصوص دارد و هنوز این دعاها تمام نشده، وقت نافله و نماز ظهر و عصر و دعاهایی که بعد از آن وارد شده می‌شود. کسی که دو ثلث شب را عبادت کرده، دیگر حال و نشاطی برای کار ندارد؛ اگر دانشجویست، سر کلاس چرت می‌زند و اگر کارگر و کشاورز است، توان فعالیت ندارد. اوصاف این گونه اشخاص نیز در روایات آمده است که چهره‌ها زردرنگ، رنگ‌ها پریده و لب‌هایشان خشکیده است. در این صورت کاری از پیش نمی‌رود. چنین کسی حتی

برای عبادت های روز نیز نشاطی ندارد. حال اگر الگوی مؤمن ایده آل این است، چگونه باید تکالیف اجتماعی را انجام داد؟ پیشرفت علمی و فعالیت های اجتماعی و سیاسی جامعه ای که از این گونه افراد تشکیل شده، چه می شود؟ این مسأله منحصر در سخرخیزی نیست و بسیاری از تکالیف دیگر هم هست که در صورت عمل به آن ها، برای کارهای دیگر وقت و توان باقی نمی ماند. اگر لازمه عمل به این دستورات، داشتن جامعه ای سست، بی حال و بی رمق باشد که مورد تأیید اسلام نیست، پس چرا نسبت به انجام آن ها این همه سفارش و تأکید شده است؟

نیاز به متخصص در استفاده از منابع دینی

برای این که ذهن ها آماده پذیرفتن جواب بشوند، از تشبیه منابع دینی به کتاب های طبی استفاده می کنیم. در این گونه از کتاب ها بخشی از کتاب درباره گیاهان، داروها، املاح، غذاها وhellip; است. روشن است که این گونه کتاب ها درصدد بیان خواص گیاهان و داروهاست و عمل به آن ها به معنای سفارش به مصرف همه گیاهان و داروهای مذکور نیست. از این رو در کتاب های جامع تر، ضررها و مصلح این موارد را نیز می نویسند. برای عمل به این کتاب ها باید نزد پزشک رفت و پس از معاینه و آزمایش، نسخه ای برای استفاده از دارو گرفت، و هرچه مهارت و تجربه پزشک و اطلاع او از انواع داروها و غذاها بیشتر باشد، نسخه بهتری می نویسد. همین قضیه درباره دستورات منابع دینی نیز مطرح است. گاهی برخی از عوام با استناد به روایات ثواب گریه بر امام حسین علیه السلام، می گویند ما در طول سال همه گناهان را مرتکب می شویم و روز عاشورا چند قطره اشک می ریزیم و بخشیده می شویم! اینها توجه ندارند که این روایات در مقام بیان این است که اشک ریختن در عزای سیدالشهدا چنین توان و اقتضایی دارد، اما این تأثیر نیاز به شرایطی دارد که باید فراهم شوند. بنابراین باید به این نکته توجه داشته باشیم که تعریف یا مذمت چیزی در روایات، به معنای تجویز مطلق عمل طبق آن نیست، و همان طور که در احکام فقهی باید به مجتهد فقیه مراجعه کنیم تا همه مستندات فقهی را کنار هم بگذارد و پس از ملاحظه مطلق و مقید، ناسخ و منسوخ و عام و خاص آن وظیفه ما را بیان کند، در مسائل اخلاقی نیز باید به متخصص خودش رجوع کرد. به خصوص که بسیاری از این مسائل از واجبات بسیار مهم است و متخصصی که در این موضوعات کار کرده است، مجموع مستندات را در نظر می گیرد و با توجه به نیازها و استعدادها طرف برای او عملی را تجویز می کند.

نقل شده است که یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام دوستی نصرانی داشت که کم کم او را هدایت کرد و او حاضر شد که مسلمان شود. نیمه شبی به در خانه دوست تازه مسلمان خود رفت و او را برای نماز شب به مسجد برد. پس از نماز شب نیز به او گفت: دیگر نزدیک صبح است، صبر کن نماز صبح مان را هم بخوانیم، و بعد از نماز صبح نیز او را برای تعقیبات تا طلوع آفتاب نگه داشت. بالاخره هر دو به منزل بازگشتند. اما شب هنگام وقتی آن مسلمان دوباره برای دعوت به نماز شب به در خانه دوستش آمد، آن تازه مسلمان گفت: فلانی! شما دین خوبی دارید، اما این دین برای آدم های بیکار خوب است. من زن و بچه دارم و نمی توانم این گونه زندگی کنم. همان دین خودمان برایم خوب بود. امام صادق علیه السلام این مثل را می زنند و می فرمایند: از همان راهی که او را وارد اسلام کرده بود، بیرونش کرد. بنابراین بدون شناخت ظرفیت، شرایط زندگی، و میزان معرفت، سن، توان بدنی، و وظایف مختلف خانوادگی و اجتماعی فرد، نمی توان برای او دستورالعملی را تجویز کرد.

تقسیم کار

بنابر آن چه گفتیم، فقیهی که بر این مسائل احاطه دارد، نوعی تقسیم کار را تجویز می کند. به عبارت دیگر عمل به دستورات دینی به معنای انجام همه کارها در همه اوقات نیست، و باید به نوعی تقسیم کار کرد. برخی از روایات بر این دلالت دارند که انسان در شبانه روز باید چند گونه کار داشته باشد. در روایتی توصیه شده است که ساعات شبانه روز را سه بخش کنید: بخشی برای خواب و نیازهای بدنی، بخشی برای تحصیل روزی، و بخشی نیز برای عبادت. در روایت دیگری بخشی با عنوان معاشرت با دوستان و لذت بردن از حلال اضافه شده است و انجام آن را تضمینی برای انجام صحیح وظایف دیگر معرفی کرده است [۲]. با توجه به این نکات درمی یابیم که این روایات در مقام بیان لزوم تقسیم ساعات شبانه روز به سه یا چهار قسمت مساوی نیست، بلکه اجمالا در مقام نهی از یک سو به شدن زندگی است.

اقسام وظایف

با استفاده از منابع دینی، اعم از آیات، روایات و سیره اهل بیت علیهم السلام، کارهای ما به دو دسته کلی فردی و اجتماعی تقسیم می شود. ما وظایفی اجتماعی نسبت به پدر، مادر، همسر، فرزند، همسایه، استاد، و شاگرد داریم تا برسد به امام و مسئولان کشور و حتی کشورهای دوست یا دشمن. دسته ای دیگر از وظایف نیز مربوط به خود شخص است به گونه ای که فرد دیگری باشد یا نباشد، شخص باید آن ها را انجام دهد. البته مسائل فردی هم خود به سه دسته نیازهای ضروری بدنی، روانی و ارتباط با خدا تقسیم می شود. نیازهای ضروری بدنی [۴] نیازهایی است که همه انسان ها دارند و مفردی از آن نیست. همه انسان ها به غذا، لباس و مسکن نیاز دارند. در این گونه از نیازها سخن از این نیست که شرعا تأمین آنها فی حدنفسه واجب،

حرام یا مستحب است، زیرا هر انسانی برای زنده ماندن باید آن‌ها را تأمین کند. البته اگر مؤمن این کارها را به قصد اطاعت خدا و برای کسب رضای خدا انجام دهد، این‌ها نیز عبادت می‌شود، ولی این کار تکلیفی واجب نیست، و هنر مؤمن است که می‌تواند همه این کارها را حتی حیوانی‌ترین آن‌ها را به قصد اطاعت خدا انجام بدهد و آن را به عبادتی بزرگ (واجب یا مستحب) تبدیل کند.

نیازهای روانی نیازهایی است که مربوط به بدن انسان نیست، اما انسانیت و روان انسان به آن‌ها نیازمند است. هر انسانی می‌خواهد عزت نفس داشته باشد و آبرومند باشد. البته ممکن است کسی با گدایی زنده بماند، ولی این شأن انسان محترم نیست. و بالاخره دسته سوم از نیازها به ارتباط با خدا و عبادت او برمی‌گردد که به یک معنا می‌توان آن را نیز از نیازهای روانی انسان دانست.

مسائل اجتماعی نیز به دو بخش عمده نیازهای مادی و معنوی تقسیم می‌شود. افزون بر همه این‌ها، ما انسان‌ها نیاز دیگری داریم و آن نیاز به تحصیل علم است. روشن است که تحصیل علم هم برای مسائل فردی و هم برای مسائل اجتماعی امر واجب است. البته باید دانست که همه این کارها را می‌توانیم به قصد قربت و برای اطاعت خدا انجام دهیم و همه آن‌ها عبادت شود.

یکی دیگر از نیازها، نیازهای دفاعی و امنیتی است که اگر دشمن داخلی یا خارجی بخواهد نظم جامعه را بر هم بزند، باید دستگاه امنیتی و نیروی دفاعی پاسخ آن‌ها را بدهد. تأمین این نیاز کار یک فرد نیست و نیازمند دستگاه منظم وسیعی است. همه این‌ها نیازهای زندگی ما در دنیاست و اسلام از ما خواسته است که در همه این امور نمونه باشیم. همه این فعالیت‌ها باید انجام بگیرد، اما همه باید سمت و سوی الهی داشته باشد.

نیاز به مناجات با خدا

برخی خیال می‌کنند که عبادت در آن جایی که توصیه به عبادت در دو ثلث یا نیمی از شب شده است، به معنای هر کاری است که انسان برای خدا انجام دهد، و به روایاتی از قبیل [الْعِبَادَةُ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ تَسَعَةٌ أَجْزَاءٌ فِي طَلَبِهَا؛ الْحَالِلِ ۵۸] استناد می‌کنند؛ ولی این گونه نیست و منظور روایاتی که می‌گویند بخشی از اوقات خود را برای عبادت و مناجات با خدا قرار بدهد، کارهای دیگر نیست. یکی از مهم‌ترین کارها نزد عقلا مسأله مدیریت جامعه است که همه شیون دیگر را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. این اهمیت به اندازه‌ای است که برخی از روایات فایده اجرای یک حد الهی برای جامعه را بیش از چهل روز بارندگی معرفی کرده است. امیرمؤمنان سلام الله علیه هنگامی که مالک اشتر را به عنوان فرماندار مصر می‌فرستادند دستورالعملی نیز برای ایشان نوشتند که در آن تمام ارکان دولت، کیفیت معامله با آن‌ها و وظایف هر یک را به صورت مفصل شرح داده‌اند، اما در ضمن همه این اوامر از او می‌خواهند که بهترین اوقات خود را برای عبادت خدا قرار بدهد. نکته جالب این است که در آن دستورالعمل می‌فرمایند: گرچه هر کاری را برای خدا انجام بدهی و ضرری برای مردم نداشته باشد، عبادت است، اما بهترین اوقات خود را در شبانه روز برای عبادت خدا و مناجات با او قرار بده! ضمناً سفارش می‌کنند که مبادا گوشه این عبادت‌ها را سوراخ کنی و از آن‌ها کم بگذاری! باید آن‌ها را در بهترین اوقات به صورت کامل انجام بدهی و این است که تو را در عمل به سایر وظایف کمک می‌کند.

در یک تقسیم بندی کلی هر کدام از اموری که نام بردیم به واجب و مستحب تقسیم می‌شود [۶] که در تراحم بین آن‌ها باید مستحب را فدای واجب کرد. این مسائل روشن است، اما مشکل در جایی است که واجبی درباره شخص با واجبی درباره خانواده و یا با واجبی درباره جامعه تراحم پیدا کند. مثلاً حفظ سلامتی واجب است و انسان باید مراقب خوراکی‌های خود باشد و آن‌ها را از میکروب‌ها ضدعفونی کند، ولی در جبهه و خط مقدم صحبت این‌ها نیست. در آن جا گاهی انسان باید به یک لقمه نان جو یا نصف خرما اکتفا کند. حال این پرسش مطرح می‌شود که در تراحم بین سلامتی انسان با یک واجب شرعی و یا عبادی همانند احترام به پدر و مادر یا نماز چه باید کرد؟ بنابراین ما باید بین واجبات نیز تشخیص بدهیم که در مقام تراحم کدام واجب تر است.

اختلاف شرایط؛ زمینه ساز اختلاف تکلیف

برخی از عوامل بین همه انسان‌ها مشترک است و در شرایطی همه انسان‌ها وظایف فردی و اجتماعی مشابهی دارند، ولی گاهی عواملی منشأ اختلاف تکلیف می‌شود. مثلاً تکلیف یک دختر بچه نه ساله با جوانی که به رشد و کمال کافی رسیده است، متفاوت است. نمی‌توان به بچه نه ساله، دقیقاً احکام واجب یا مستحب نماز به خصوص آن‌چه مربوط به نیت می‌شود را یاد داد و گاهی برای وادار کردن او به نماز باید به او وعده جایزه هم داد تا انگیزه نمازخواندن پیدا کند، اما آیا اگر جوانی برای جایزه نماز بخواند، نمازش قبول است؟! این اختلاف تکلیفی است که در اثر اختلاف سن پدید می‌آید. گاهی اختلاف در اثر اختلاف جنسیت است. مرد و زن با هم تفاوت‌هایی دارند و برخی احکام مخصوص یکی از آن‌هاست. گاهی اختلاف تکلیف به خاطر استعدادهای خدادادی است. حتی بعضی از توانمندی‌های کسبی نیز موجب تفاوت تکلیف می‌شود. مثلاً وظیفه کسی که برای

کسب روزی زحمت می کشد با کسی که از روی تنبلی یا مسائل دیگر فقیر است، متفاوت است. و بالاخره برخی از مسائل در شرایط استثنایی همانند جنگ، زلزله و امثال آن پیش می آید. روشن است که در چنین شرایطی وظیفه جدیدی برای افراد پدید می آید که غالباً به صورت واجب کفایی است و اگر من به الکفایه بود از دیگران ساقط می شود، ولی اگر نبود همه موظفند که کمک کنند و تکلیف از دوش هیچکس برداشته نمی شود.

از آن جا که در تهیه برنامه برای رفتار انسان باید همه این عوامل لحاظ شود، می بایست با کسانی که هم احاطه علمی دارند و هم می توانند شرایط افراد را درک کنند، مشورت کرد. از یک مبتدی - به خصوص یک نوجوان- نمی توان انتظار داشت که خود همه این ها را محاسبه کند و واجب را از اوجب و مهم را از اهم تشخیص دهد. باید کسانی که تخصص هایی در مسائل تربیتی و اخلاقی دارند، بار را بر دوش بگیرند و دیگران را راهنمایی کنند. مجموع این مسائل به انسان می فهماند که تکالیف افراد نسبت به شرایط مختلف متفاوت است. ممکن است برای کسی بلندشدن یک ربع ساعت پیش از نماز صبح و خواندن نماز شب کافی باشد، اما برای دیگری که کار لازم و تکلیف واجبی ندارد، عبادت دو ثلث شب و حتی احیای آن خیلی خوب باشد.

نتیجه این که ما تکالیف مختلفی داریم که باید وظایف و موقعیت اجتماعی خودمان را تعیین کنیم و بدانیم چه مسئولیت هایی را به عهده گرفته ایم و چه مسئولیت هایی را باید به عهده بگیریم؟ باید ببینیم چه کارهایی روی زمین مانده و ما توان انجامش را داریم، هر کدام اهمیت بیشتری دارد، آن را انتخاب کنیم.

[۱]. مزمل، ۶.

[۲]. مزمل، ۷.

[۳]. اجْتَهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعًا سَاعَاتٍ سَاعَةً لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ وَ سَاعَةً لِأَمْرِ الْمَعَاشِ وَ سَاعَةً لِمُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ وَ التَّيَقَاتِ الَّذِينَ يُعَرِّفُونَكُمْ عُيُوبَكُمْ وَ يُخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَ سَاعَةً تَخْلُونَ فِيهَا لِلدَّائِمِ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ وَ يَهْدِي السَّاعَةَ تَعْدُرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ (تحف العقول، ۴۰۹)

[۴]. به این نیاز در اصطلاح روان شناسی نیازهای فیزیولوژیک می گویند.

[۵]. جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۳۹.

[۶]. از آن جایی که بحث درباره کارهایی است که باید انجام داد، مکروه و حرام مورد بحث نیست.